



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 15, No. 1, 2026
Research Paper

A macro-study of the metaphor "Life is agriculture" and its sub-metaphors in the Holy Quran

Zeinab Parandenezhad, Abbas Esmaeelizadeh*

Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology,
Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of
Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad,
Iran

Abstract

Conceptual macro-metaphors are pervasive metaphors throughout the text and have an underlying appearance. These metaphors serve as the main theme and subject matter upon which other topics in the text are based. The Holy Quran is a metaphor-centric text that has used conceptual metaphor in many cases to make its intangible concepts tangible. Since concepts related to agriculture are familiar to human experience, the Holy Quran has used these concepts in many verses to illustrate the actions of servants and how they receive punishment and reward. This study, using a descriptive-analytical method, analyzed the macro-metaphor of "life is agriculture" by taking it from verse 20 of Surah Ash-Shuri. After extracting the micro-metaphors related to this verse, it was examined in two categories: explicit structures and context-based structures in verses related to action and receiving punishment and reward. The results of this research show that all the micro-metaphors examined in the two structures above have been created in support of the macro-metaphor "Life is agriculture" and the systematic concept of "Whatever you sow, that is what you will reap" is understood in all verses related to the concepts of action and reward.

Keywords: Conceptual metaphor, Macro metaphor, Micro metaphor, Agricultural life.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2025.141509.1950>

مقاله پژوهشی

بررسی کلان استعاره «زندگی کشاورزی است» و خرداستعاره‌های ذیل آن در قرآن کریم

زینب پرنده نژاد^۱، عباس اسماعیلی‌زاده^۲

۱- کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

zparandenezhad98@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

esmaeelizadeh@um.ac.ir

چکیده

کلان‌استعاره‌های مفهومی استعاره‌هایی هستند که در سراسر متن موج می‌زنند و نمودی زیرساختی دارند. این استعاره‌ها در حکم تم و موضوع اصلی هستند که سایر موضوع‌ها در متن بر شالوده آن پایه‌ریزی می‌شود. متن قرآن کریم از متون استعاره‌محوری است که در موارد زیادی از استعاره مفهومی برای ملموس‌سازی مفاهیم غیرملموس خود استفاده کرده است. از آنجا که مفاهیم مرتبط با کشاورزی از مفاهیم آشنا به تجربه بشری هستند، قرآن کریم در آیات بسیاری برای نشان دادن انجام عمل بندگان و چگونگی دریافت جزا و پاداش از این مفاهیم استفاده کرده و با آن‌ها تصویرسازی کرده است. این پژوهش، به روش توصیفی — تحلیلی، کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» را با برداشت از آیه ۲۰ سوره شوری واکاوی و پس از استخراج خرداستعاره‌های مرتبط با این آیه، آن‌ها را در دو دسته ساختارهای صریح و ساختارهای سیاق‌محور در آیات مرتبط با عمل و دریافت جزا و پاداش بررسی کرده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد همه خرداستعاره‌های بررسی‌شده در دو ساختار بالا در حمایت از کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» به وجود آمده‌اند و نظام‌مندی مفهوم «هرچه بکارید همان را درو خواهید کرد» در تمام آیات مرتبط با مفاهیم عمل و پاداش برداشت می‌شود.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی، کلان‌استعاره، خرداستعاره، زندگی کشاورزی است.

۱- طرح مسأله

و جانسون پا به عرصه مطالعات معناشناسی نهاده است. استعاره مفهومی اصطلاحی در زبان‌شناسی شناختی است که به فهمیدن یک ایده یا یک حوزه مفهومی بر اساس ایده یا حوزه مفهومی دیگر اشاره می‌کند. در زبان‌شناسی شناختی، به فهم یک حوزه مفهومی برحسب حوزه

یکی از رویکردهای زبان‌شناسانه/معناشناسانه میان‌رشته‌ای نوین قرآنی معناشناسی شناختی^۱ است که از سال ۱۹۸۰ میلادی با ارائه نظریه استعاره مفهومی^۲ در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم توسط لیکاف

⁴ Likoff

⁵ Johnson

⁶ mapping

¹ cognitive semantics

² conceptual metaphor

³ metaphors we live by

مفهومی دیگر استعاره مفهومی گفته می‌شود (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴ش، ص ۲۹). استعاره با درک یک قلمرو تجربی بر اساس قلمرو تجربی کاملاً متفاوتی سروکار دارد. به بیان فنی‌تر، استعاره را می‌توان نگاشت (به مفهوم ریاضی کلمه) از یک قلمرو مبدأ به یک قلمرو مقصد دانست. برای ارائه تصویری از این مسأله که استعاری بودن یک مفهوم به چه معناست و چنین مفهومی چگونه ساختار یک فعالیت روزانه را مشخص می‌کند، استعاره مفهومی «بحث، جنگ است» را تبیین می‌کنیم.

ادعاهای شما غیرقابل دفاع هستند.

انتقاداتش درست به هدف خورد.

در هیچ بحثی با او پیروز نشدم.

مثال‌های بالا نشان می‌دهند در این عبارات‌ها درباره بحث کردن از واژگان و مفاهیمی استفاده شده است که مربوط به حوزه جنگیدن هستند و نه صحبت کردن. در واقع، گویی ورای تصویر ذهنی متکلم از بحث، همان جنگیدن است (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴ش، ص ۱۴). رابطه در استعاره مفهومی میان دو واحد یا مجموعه به صورت تناظر یک به یک صورت می‌گیرد که به آن «نگاشت» می‌گویند. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و به تناظرهایی دلالت می‌کند که میان برخی از حوزه‌های مفهومی وجود دارند. در واقع، تطبیق ویژگی‌های دو حوزه شناختی است که در قالب استعاره به یکدیگر نزدیک شده‌اند. یکی از این قلمروها به حوزه مبدأ یا منبع مرتبط است که معمولاً دارای مفاهیم عینی و ملموس است و دیگری دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی است که حوزه «مقصد» نامیده می‌شود.

آنچه محمل پژوهش پیش‌رو است بررسی کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» و تبیین خرداستعاره‌های موجود در قرآن کریم ذیل این کلان‌استعاره است. این استعاره علاوه بر آنکه در چند آیه نمود زیرساختی دارد، در یک آیه نیز برای مفهوم‌سازی حوزه «زندگی» از آن استفاده شده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری: ۲۰).

از آنجا که فرض بر این است که خرداستعاره‌ها همانند زنجیری به یکدیگر متصل هستند و میان آنان رابطه‌ای وجود دارد، این رابطه می‌تواند آنان را ذیل یک کلان‌استعاره جای دهد و به عنوان اجزایی برای تبیین آن باشد. این کلان‌استعاره که از آیه ۲۰ سوره شوری برداشت می‌شود با خرداستعاره‌هایی که مفهوم کاشت و برداشت از آن‌ها دریافت می‌شود مورد توجه قرار گرفته است؛ این خرداستعاره‌ها در آیاتی نمود ظاهری دارند که مفاهیم کشاورزی کاشت و برداشت در آن‌ها وجود دارند. خرداستعاره‌ها در دو دسته آیات به صورت ساختارهای صریح (که در آن‌ها به وضوح مفاهیم جزا و پاداش با مفاهیم کشاورزی تصویرسازی شده‌اند) و ساختارهای سیاق‌محور (که با توجه به بافت آیه مفهوم کاشت و برداشت از آن برداشت می‌شود) در کل قرآن کریم بررسی شده‌اند. با توجه به آنچه بیان شد، در پژوهش پیش‌رو تلاش بر این است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» چگونه در قرآن کریم ساختاربندی شده است؟
۲. خرداستعاره‌هایی مانند «انفاق بذر پاشیدن است» چگونه می‌توانند ذیل این کلان‌استعاره قرار گیرند و به عنوان اجزایی برای تبیین آن باشند؟

۲- پیشینه پژوهش

اگرچه معناشناسی شناختی و به تبع آن استعاره مفهومی از مفاهیم نوین نظریه‌های زبان‌شناسی به شمار می‌آیند، تا کنون پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده‌اند. با اینکه در حوزه بررسی کلان‌استعاره در قرآن کریم پژوهشی به صورت مستقل انجام نشده است، از آنجا که موضوع اثر حاضر رویکرد معناشناختی در حوزه مطالعات قرآنی است، از مقاله‌های زیر در این حوزه می‌توان نام برد: مقاله «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر

زبان‌شناسی شناختی» (هوشنگی و سیفی پرگو، ۱۳۸۸ش)، مقاله «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره» (صباحی گراغانی و همکاران، ۱۳۹۵ش) و مقاله «طرح‌واره استعاره‌های مفهومی انفاق در قرآن کریم» (قطمیری قصرالدشتی و همکاران، ۱۴۰۲ش). در این آثار، نویسندگان چند نمونه استعاره را در قرآن کریم بررسی کرده‌اند که از موارد بررسی شده می‌توان به آیات «انفاق» اشاره کرد. نویسندگان در مقاله‌های بالا درصدد هستند تا نشان دهند قرآن کریم برای تبیین مفاهیم مجرد و انتزاعی از چه سازوکارهایی استفاده می‌کند و به طور ویژه، آیا مبانی شناختی و عملکرد ذهن و زبان که در معناشناسی شناختی مورد بحث قرار گرفته است، می‌تواند معیاری برای تبیین معنای مقصود آیات الهی باشد؟ از آنجا که پژوهش پیش‌رو کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» و خرداستعاره‌های مرتبط با آن را بررسی کرده است، مقاله‌های بالا در قسمت خرداستعاره‌ها می‌توانند یاری‌رسان باشند؛ اما از آنجا که بررسی استعاره‌ها به صورت موردی انجام شده است، نویسندگان نظام‌مندی و زنجیروار بودن استعاره‌ها را در کل قرآن کریم بررسی نکرده‌اند؛ از این رو، در پژوهش پیش‌رو تلاش شده است تا استعاره در دو سطح «کلان» و «خرد» بررسی شود و نظام‌مندی و زنجیروار بودن این مفاهیم در کل قرآن کریم با آیات مرتبط نشان داده شود.

همچنین، می‌توان از مقاله «مفهوم‌سازی زندگی در زبان قرآن» (پورابراهیم، ۱۳۹۳ش) نام برد که ساختاربندی مفهوم زندگی در قرآن را مدنظر قرار داده است. اگرچه استعاره‌های بررسی شده در این مقاله با پژوهش پیش‌رو کاملاً متفاوت هستند، از آنجا که در آن ساختاربندی مفهوم زندگی بررسی شده است، می‌تواند یاری‌رسان پژوهش پیش‌رو باشد.

۳- استعاره مفهومی و کلان‌استعاره

نظریه استعاره مفهومی که نخستین بار در سال ۱۹۸۰

میلادی توسط لیکاف و جانسون مطرح شد، یکی از مبانی نظری اولیه در معنی‌شناسی شناختی به حساب می‌آید. بر اساس این نظریه، استعاره صرفاً ابزاری بلاغی محسوب نمی‌شود، بلکه اندیشیدن انسان ماهیتاً استعاری است (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳). در چنین نگرشی، ساخت مفهومی از طریق نگاشت‌های میان حوزه‌های مبدأ و مقصد و انطباق میان این حوزه‌ها شکل می‌گیرد. تجربه انسان و تعامل با جهان پیرامونش مبنای اصلی شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی است. در نظریه استعاره مفهومی، استعاره به مثابه مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه برحسب حوزه دیگر تعبیر می‌شود؛ حوزه‌ای از تجربه که برای درک حوزه دیگر به کار می‌رود، از حوزه‌ای که می‌خواهیم آن را درک کنیم فیزیکی‌تر و شناخته‌شده‌تر است و حوزه دوم انتزاعی‌تر و کمتر شناخته شده است (کوچش، ۱۳۹۶ش، ص ۱۴). در فرایند شکل‌گیری استعاره با دو حوزه مفهومی سروکار داریم: یکی حوزه مفهومی آشنا و عینی (تر) که حوزه مبدأ نامیده می‌شود و دیگری حوزه ناآشنا و انتزاعی (تر) که حوزه مقصد نامیده می‌شود؛ بنابراین، در شکل‌گیری استعاره، با تطابق مفاهیم انتزاعی (تر) بر مفاهیم ملموس (تر) روبه‌رو هستیم. برای مثال، زمانی که گفته می‌شود «باید در برابر استاد داور از نظرات دفاع کنی»، میان یک حوزه مفهومی که دربردارنده نظریه‌های پژوهشگر است با حوزه مفهومی دیگری که دربردارنده مفاهیمی همچون «تهاجم»، «مهاجم» و «دفاع» است که با حوزه جنگ مربوط هستند، همانندهایی در نظر گرفته می‌شوند که بر پایه آن‌ها درک میان عناصر موجود در حوزه مبدأ و مقصد ملموس‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، با تشبیه حوزه مقصد به حوزه مبدأ روبه‌رو هستیم و بر اساس تشبیه این دو حوزه مفهومی به هم، استعاره‌ای شکل گرفته است که استعاره مفهومی نامیده می‌شود (عبدالکریمی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۴). برای درک بهتر، مفهوم

استعاری «زندگی سفر است» را بررسی می‌کنیم.

«من در زندگی به همان جایی که می‌خواستم رسیدم».

«در این روزها زندگی‌ام بر سر دوراهی قرار گرفته است».

«دوستم در مسیر زندگی سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشته است».

در مثال‌های بالا، ما به پشتوانه مجموعه اطلاعاتی که درباره سفر در اختیار داریم، برای فهم و درک مفهوم زندگی از آن بهره می‌بریم. همان‌طور که بیان شد، استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی «مبدأ» و «مقصد» تشکیل می‌شود و در واقع، هر حوزه مفهومی مجموعه‌ای از تجربیات است؛ از این رو، در مثال‌های بالا، مفهوم کاملاً انتزاعی «زندگی» برحسب مفهوم کاملاً عینی‌تر «سفر» فهمیده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها مطرح‌شده در نظریه استعاره مفهومی «نگاشت» است. «نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره است که وجود این تناظرها به ایجاد نام‌نگاشتی بین دو حوزه استعاره منجر می‌شود. یکی از این قلمروها به حوزه مبدأ یا منبع مرتبط است که معمولاً دارای مفاهیم عینی و ملموس است و دیگری دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی است که حوزه مقصد نامیده می‌شود. به بیانی دیگر، نگاشت مفهومی به معنای انتقال ویژگی‌های یک حوزه مفهومی به یک حوزه مفهومی دیگر است. در واقع، تطبیق ویژگی‌های دو حوزه شناختی است که در قالب استعاره به یکدیگر نزدیک شده‌اند. در واقع، دانستن یک استعاره به معنای دانستن نگاشت‌های نظام‌مند میان یک مبدأ و مقصد است و البته این دانستن به صورت آگاهانه رخ نمی‌دهد و این دانش که در ضمیر ناخودآگاه است صرفاً برای تحلیل و بررسی است و در مواقع لازم آن را به سطح آگاهی می‌آوریم.

استعاره‌های مفهومی از حیث نقش به سه دسته تقسیم می‌شوند: استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های جهتی و

استعاره‌های هستی‌شناختی. این طبقه‌بندی را لیکاف و جانسون در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم نیز انجام دادند. سپس، لیکاف و ترنر^۱ طبقه‌ای دیگر را به نام «استعاره‌های تصویری» به این طبقه افزودند (افراشی و همکاران، ۱۳۹۴ش، ص ۴۵). و کوچش^۲ از «کلان‌استعاره‌ها» که پنجمین طبقه استعاره‌های مفهومی است، نام برد.

«کلان استعاره‌ها» استعاره‌هایی هستند که در سراسر متن موج می‌زنند، بدون آنکه در روساخت ظاهر شوند. آنچه در متون ادبی نمود روساختی پیدا می‌کند استعاره‌های خرد هستند. اما آنچه در زیرساخت این استعاره‌ها وجود دارد استعاره‌های کلان هستند که باعث انسجام استعاره‌های خرد می‌شوند. برخی استعاره‌ها ممکن است در تمام متن‌های ادبیات جاری باشند بدون اینکه لزوماً «به سطح» بیایند. آنچه گاهی در سطح یک متن ادبی دیده می‌شود «ریزاستعاره‌های» خاص است، در سطح زیرین این استعاره‌ها یک «کلان‌استعاره» قرار دارد که به این ریزاستعاره‌های سطح انسجام می‌دهد (کوچش، ۱۳۹۵ش، ص ۹۹).

۴- استعاره در قرآن

قرآن کریم به مثابه معجزه بلاشک دین اسلام، به واسطه ساختار کتلت‌گونه‌اش، دارای دو ویژگی ذاتی «متنیت»^۳ و «تفسیرپذیری»^۴ است. این دو ویژگی ذاتی قرآن سبب شده‌اند تا غور و تفحص برای کشف معانی ضمنی و لایه‌های پنهان معنایی این متن شگرف سابقه‌ای به طول ۱۴ قرن، یعنی از آغاز نزول قرآن تا کنون داشته باشند. در یک نگاه کلی، می‌توان تلاش‌های معناپژوهانه قرآن کریم را در دو دسته سنتی^۵ و مدرن (علمی)^۶ طبقه‌بندی کرد. در رویکرد نخست، یعنی رویکرد سنتی، شالوده معناپژوهی قرآن بیش و پیش از هر چیز بر روایات

^۴ interpretable

^۵ Traditional approach

^۶ Modern (scientific) approach

^۱ Turner

^۲ Kovecses

^۳ textual

و قدرت اجتهاد مفسر استوار است. رویکرد دوم، یعنی رویکرد مدرن یا علمی، چنانکه از آن برمی‌آید، حاصل گسترش علوم آکادمیک گوناگون تجربی همچون زیست‌شناسی، روان‌شناسی و... در سده‌های اخیر و کاربردسازی آن‌ها در فرآیند معناپژوهی قرآن است. از دیگر سو، با ترویج آرای فردینان دو سوسور^۱ و پیدایش علم زبان‌شناسی نوین، آرا و نظریه‌های علم یادشده همچون روایت‌شناسی، معناشناسی و... نقشی شایان را در گسترش معناپژوهی نوین/علمی قرآن ایفا کرده‌اند.

از آنجا که بازنگری مفاهیم علوم اسلامی در پرتو دانش‌های جدید یکی از ضرورت‌های پژوهش‌های دینی است، پژوهشگران قرآنی در سده‌های پس از عصر نزول قرآن همواره در تلاش برای تبیین وجوه زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بوده‌اند (حقایقی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۳۵). بسیاری از مفاهیم که در قرآن کریم به کار رفته‌اند انتزاعی و غیر ملموس هستند و قرآن کریم در گفتمان خود در کنار آن مفاهیم، از مفاهیم عینی و ملموس استفاده کرده است تا از این طریق، آن مفاهیم انتزاعی را مفهوم‌سازی کند. «در استعاره‌های مفهومی قرآن سازوکارهای به‌ظاهر زبانی و در قالب واژه‌ها در جهت ترغیب و برانگیختن تفکر و اندیشه مخاطب هستند؛ از این رو، وجه اندیشگی غالب بر وجه زبانی است» (حجازی، ۱۳۹۵ش، ص ۸۵). «زبان قرآن به گونه‌ای است که مکانیسم فراتر رفتن از معانی حسی به معانی مجرد را نشان می‌دهد. در واقع، قرآن حقایق غیبی و معنوی را در قالب امور مادی و حسی نشان می‌دهد. استعاری بودن زبان قرآن را باید به معنای شناختی فهمید نه ادبی؛ در واقع، قرآن برای بیان جهان‌بینی مورد نظرش میان فضاهای گوناگون ارتباط معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی برقرار می‌کند تا از این رهگذر به تدریج به جهان‌بینی قرآنی دست یابد» (قائم‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۴۷). «زبان استعاری متون دینی زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که مخاطبش در فضایی استعاری زندگی کند. این زبان به

تجارب مخاطبان آن‌ها ساختار و شکل خاصی می‌دهد. هدف قرآن ایجاد تحول در اندیشه بشر از راه به وجود آوردن فضاهای استعاری مناسب بوده است. استعاره‌های زبانی در این متون آینه استعاره‌های مفهومی آن‌ها هستند. استعاره‌هایی که در قرآن آمده‌اند دو دسته هستند: استعاره‌های زبانی و استعاره‌های مفهومی؛ قرآن در برخی موارد استعاره‌های مفهومی را بیان کرده و در مواردی هم به استعاره‌های زبانی اشاره کرده که خود بر پایه استعاره مفهومی بنیادی استوار شده است» (قائم‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۴۳).

۴-۱- کلان استعاره در قرآن

در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که از کنار هم قرار دادن آن‌ها مفهوم کلان‌استعاره برداشت می‌شود. برای نمونه، می‌توان به کلان‌استعاره «زندگی سفر است» اشاره کرد که در آیات متعدد قرآن کریم نمود دارد (انعام: ۱۵۳). همان‌طور که هر سفری یک آغاز و پایان دارد، زندگی نیز آغاز و پایانی دارد؛ سفری که از خداوند شروع می‌شود و به خداوند ختم می‌شود: «إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ...» (یونس: ۴). همچنان که در هر سفری مسیری باید طی شود و گام‌هایی برداشته شود تا به مقصد رسید، در زندگی هم مسیری که خداوند آن را بیان کرده است باید طی شود تا به مقصود رسید: «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (آل عمران: ۵۱).

آیات بالا نمونه‌هایی از استعاره‌هایی هستند که از کنار هم قرار دادن آن‌ها مفهوم کلان‌استعاره «زندگی سفر است» را می‌توان درک کرد.

آیات بسیار دیگری نیز وجود دارند که پایه‌گذار کلان‌استعاره‌هایی دیگر هستند؛ از جمله این کلان‌استعاره‌ها می‌توان به کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» اشاره کرد. این استعاره در یک آیه به صورت استعاره زبانی نمود

^۱ Ferdinand de Saussure

پیدا کرده و در آیات متعدد دیگری بدون نمود در روستا، در سراسر متن قرآن کریم ظاهر شده است. این استعاره در آیه «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری: ۲۰) نمودی کاملاً ظاهری و نمایان دارد. «بر اساس این آیه، فرایند زندگی نوعی کشت و کار است که بر اساس طرحواره تصویری راه، دارای مؤلفه‌های مبدأ، مسیر و مقصد است. بر این مبنا، مقصد همان به بار نشستن کشت و کار و زراعت زندگی است. پیوندهای استعاری این مطلب «زندگی کشت و کار است، زندگی سفر است و ... هستند» (هوشنگی و سیفی پرگو، ۱۳۸۸ش، ص ۱۸).

صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست). «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْثُهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِيبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۶۵). (و مثل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست).

۵- کلان استعاره «زندگی کشاورزی است»

قرآن کریم در آیه ۲۰ سوره مبارکه شوری با یک تعبیر لطیف مردم جهان را در برابر نعمت‌های پروردگار و چگونگی استفاده از آن‌ها به مثابه کشاورزی می‌داند که گروهی برای آخرت کشت می‌کنند و گروهی برای دنیا و نتیجه هر یک از این دو زراعت را بیان می‌کند: «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ». واژه «حرث» به معنای بذر پاشیدن در زمین و آماده کردن زمین برای زراعت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۶). زمخشری در ذیل این آیه می‌گوید: «کاری که کننده یک کار هدفش از آن به دست آوردن فایده است به طور مجاز به آن زراعت گفته می‌شود و اینکه این زراعت برای آخرت انجام شود یا برای دنیا بین آن تفاوت است. اگر برای آخرت باشد چند برابر خواهد شد و اگر برای دنیا باشد مقداری از آن به او داده می‌شود که همان رزق او است که برای او تعیین و مقرر گردیده است» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۸).

علاوه طباطبایی معتقد است کلمه «حرث» به معنای زراعت است و مراد از زراعت آخرت نتیجه اعمال است که روز قیامت به آدمی عاید می‌شود و به عنوان استعاره

۴-۲- خرداستعاره در قرآن

هر الگوی کلان‌استعاره رابطه‌ای خاص است که بین چند نوع استعاره خاص (خرد) برقرار است. در واقع، هر الگوی کلان‌استعاره، خود می‌تواند مبنایی برای ایجاد استعاره‌های مختلف شود. استعاره کلان جریانی نهفته است که در آن «استعاره‌های خرد» سبب به وجود آمدن کلان‌استعاره‌ها می‌شوند. این جریان در متنی منسجم همچون قرآن نیز برقرار است. آیاتی که در آن‌ها «خرداستعاره‌ها» نمود پیدا کرده‌اند بسیار هستند. همان‌طور که بیان شد، کلان‌استعاره‌ها به خرداستعاره‌ها انسجام می‌بخشند؛ ولی آنچه گاهی در سطح یک متن دیده می‌شود «خرداستعاره‌های» خاص هستند (کوچش، ۱۳۹۵ش، ص ۹۹).

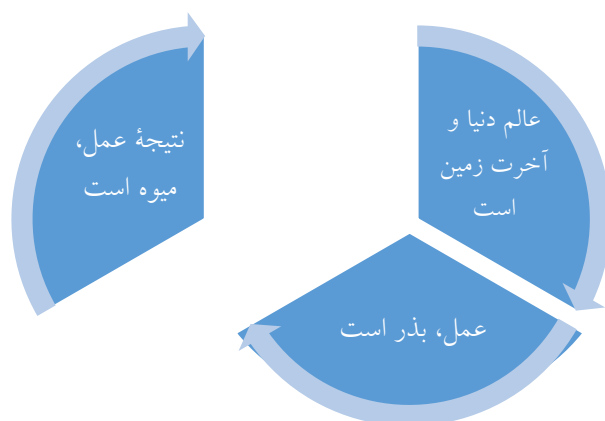
برای نمونه، می‌توان از آیاتی نام برد که همه آنان ذیل کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» جای می‌گیرند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱). (مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای

است و میوه‌هایی تلخ و ناگوار دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۰، ص ۳۹۸).

با توجه به آیه بالا و بیان نگاه مفسران، نگاشت‌های زیر را می‌توان بین حوزه عینی و ملموس (کشاورزی) و حوزه انتزاعی (زندگی) بیان کرد:

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
کشاورزی	زندگی
کشاورز	عامل (انسان)
بذر نیک	عمل صالح
بذر بد	عمل بد
کاشت بذر	انجام عمل
محصول خوب	بهبود
محصول بد	جهنم

آن را زراعت آخرت نامیده است، مانند اینکه اعمال صالحه بذری است که می‌کارند تا در آخرت آن را درو کنند. در این آیه، منظور از کشت و زرع آخرت همان اعمالی است که در دنیا از فرد سر می‌زند و در واقع، این عبارت به عنوان استعاره بیان شده است و اینکه فرموده به کشت او افزایش و برکت می‌دهیم ناظر به آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام: ۱۶۰) و «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (بقره: ۲۶۱) است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص ۴۰). در واقع، انسان‌ها همگی زارع هستند و این جهان مزرعه است، اعمال مانند بذرهای آن و امکانات الهی بارانی است که بر آن می‌بارد؛ اما این بذرها بسیار متفاوت هستند؛ بعضی از این بذرها محصولشان نامحدود و جاودانی، اما بعضی دیگر محصولشان بسیار کم و عمرشان کوتاه و زودگذر



اینکه خداوند برای بیان درک مفهوم زندگی از واژه «حرث» استفاده کرده است شاید به این دلیل است که زندگی بشر تجربه «کاشت» و «برداشت» محصول را داشته است. کشاورز با تجربه خود این مطلب را درک می‌کرده است که زمانی که بذری را در زمین کشت می‌کند، دقیقاً همان گیاه می‌روید و گیاه دیگری به جای آن نمی‌روید. با این تجربه زندگی، خداوند با همان مفاهیمی که با تجربه زیستی بشر آشنا هستند، به آن‌ها یادآور می‌شود همان‌طور که وقتی گندم کشت می‌کنید گندم هم برداشت خواهید کرد، بدانید هر عملی که در دنیا انجام دهید میوه و نتیجه

آن را در آخرت برداشت خواهید کرد. از آنجا که خداوند از تعبیر «زراعت» برای درک مفهوم «عمل» و «پاداش» آن استفاده کرده است، مشابهت‌های آنان مورد توجه هستند؛ همچنانکه کشاورزی شامل سه مرحله کاشت، داشت و برداشت است، انسانی که به دنبال برداشت عمل خود به بهترین وجه ممکن است باید مانند یک کشاورز علاوه بر دقت در مرحله کاشت، در مرحله داشت نیز از عمل خود مراقبت و به آن رسیدگی کند. کشاورز پس از کاشت بذر، با دقت و وسواس از کشت خود مراقبت می‌کند؛ بنابراین، انسان نیز باید به اعمال خود

بنگردد و مراقب باشد تا مبادا بذر او دچار آسیب و صدمه شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر: ۱۸). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند پروا کنید و هر کس به آنچه برای فردای (قیامت) خود فرستاده است، بنگرد. باز هم از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، به‌خوبی آگاه است).

در این آیه، همچنان که بیان شد، مفسرانی مانند علامه طباطبایی واژه «حرث» را استعاره دانسته‌اند؛ اما از آنجا که استعاره در رویکرد سنتی بر مبنای شباهت میان دو چیز است و در ساختارهای شناختی هدف، تشبیه نیست و در واقع، یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر درک می‌شود، در آیه ۲۰ سورة شوری از آنجا که در رابطه با واژه «حرث» هیچ‌گونه تشبیهی صورت نگرفته است، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که در این آیه استعاره‌ای که وجود دارد فقط استعاره شناختی است و استعاره به معنای سنتی وجود ندارد.

۶- خرداستعاره‌های «زندگی کشاورزی است»

قرآن کریم با تعالیم روح‌بخش خود همواره درصدد بیان ارتباط بین اعمال انسان در دنیا و جزا و پاداش آن در آخرت است. در متن قرآن کریم، در بعضی از آیات عمل انسان به مثابه بذری در نظر گرفته شده است که در زمین کشاورزی کاشته می‌شود و این بذر در آخرت ثمره و نتیجه خود را نمایان می‌کند. به بیانی دیگر، فرد عملی را در دنیا انجام داده و گویی آن را برای خود کاشته است و در آخرت نتیجه کاشت خویش را برداشت می‌کند. در بعضی از آیات، مفهوم بذر و کاشت صریحاً بیان شده است (بقره: ۲۶۱ و ۲۶۴)؛ اما در دسته‌ای از آیات، مفهوم کاشت و برداشت تلویحاً بیان شده است (برای نمونه، یونس: ۵۲، آل عمران: ۱۰۶ و ۱۸۱، انعام: ۳۰، انفال: ۳۵، توبه: ۳۵). به عبارتی دیگر، آیاتی به صورت روشن بیان می‌کنند عمل بذر است و انسان کشاورز و این دنیا محل

کشت است؛ اما آیاتی دیگر نیز وجود دارند که فرد را به این دلیل توبیخ می‌کنند که در گذشته عملی را کاشته و اکنون به خاطر انجام آن عمل مستوجب عذاب است؛ یعنی این معنا را به صورت تلویحی بیان می‌کنند که فرد در دنیا بذر عذاب امروز خویش را کاشته و اکنون زمان برداشت است. در چنین آیات و ساختارهایی، باید با توجه به قرائن و بافت متن معنای مدنظر را درک کرد. این ساختارها، ساختارهای سیاق‌محور هستند که در ادامه آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۶-۱- ساختارهای صریح

«انفاق بذر پاشیدن است»

از جمله خرداستعاره‌هایی که به صورت کاملاً واضح و شفاف مفهوم کشاورزی را بیان می‌کنند، خرداستعاره «انفاق بذر پاشیدن است» است. این خرداستعاره در چندین آیه در جایگاه انفاق الهی و انفاق غیرالهی بیان شده است. هر انسان موحدی باید دنیا را به صورت یک مزرعه ببیند که اعمال و رفتار او حکم بذرهایی را دارند که در این مزرعه کاشته می‌شوند. همچنانکه در کار زراعت و کشاورزی مراحل سه‌گانه کاشت، داشت و برداشت از هم جدایی‌ناپذیر هستند، هر انسانی نیز که در این دنیا به کار زراعت مشغول است، باید بداند هر بذری که در دنیا می‌کارد، در آینده برداشت خواهد کرد.

انفاق به عنوان عملی نیک در اسلام، بارها توسط قرآن کریم مورد توصیه واقع شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۵۴). راغب درباره واژه انفاق چنین می‌گوید: «نَفَقَ الشَّيْءُ: مَضَى وَ نَفِدَ»، یعنی شیء رفت و تمام شد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۱۹). اصل این کلمه به معنای خارج شدن است. نفقه یعنی چیزی که از دست انسان خارج می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۵۷). انفاق را از آن نظر انفاق گویند که شخص مال را بدان وسیله از دستش خارج

یا فانی می‌کند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۹۷). در چند آیه از قرآن کریم، اتفاق گروه‌های مختلف مردم به مثابه بذرهایی در نظر گرفته شده است که کاشته می‌شوند و فرد اتفاق‌کننده، بسته به نیت و رفتار خویش، در آینده نزدیک محصول این کاشت را برداشت خواهد کرد (بقره: ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۵ و آل عمران: ۱۱۷). در این گونه آیات، به صورت روشن عمل بذر است و انسان کشاورز و این دنیا محل کشت است: «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱). در این آیه شریفه، کسانی که در راه خدا اتفاق می‌کنند به دانه‌ای پربرکت که در زمینی مستعد افشاندن شود تشبیه شده‌اند؛ در حالی که قاعدتاً باید عمل آن‌ها تشبیه به این دانه شود نه خود آن‌ها؛ همین موضوع باعث شده است تا بعضی از مفسران قائل به وجود محذوف در این آیه باشند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۰). علامه طباطبایی در عین اینکه وجود چنین کلامی را در جای خود رد نمی‌کند، قائل به تقدیر در این آیه نیست. وی با بیان مثال‌هایی این امر را در قرآن شایع می‌داند و آن را اینچنین توضیح می‌دهد: «این مثال‌ها که در این آیات آورده شده، از یک جهت مشترکند، و آن این است که در همه آن‌ها به ماده تمثیل که قوام مثل به آن است اکتفا شده، و به منظور اختصار بقیه اجزای کلام حذف می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۸۶). گویا قرآن می‌خواهد بگوید عمل هر انسانی پرتویی از وجود اوست و هر قدر عمل گسترش یابد، در حقیقت وجود انسان توسعه یافته است. به بیانی دیگر، انسان‌های نیکوکار در پرتو نیکی‌هایشان نمو و رشد معنوی پیدا می‌کنند و این افراد همچون بذرهایی پرثمر هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۳۱۴).

کشت و زرع و کشاورزی از اولین تجربیات انسان بوده است. این تجربه در همه نسل‌ها تکرار شده و از

تجربیات زیستی آشنا برای انسان‌هاست. «مردم به دلایل متعدد مانند خوردن، تفریح، ساختن وسایل و... گیاه پرورش می‌دهند؛ بنابراین، وقتی از مفهوم گیاه به صورت استعاری استفاده می‌کنیم اجزای مختلف آن برای ما آشنا است؛ چرا که در فرایند پرورش گیاهان از مراحل رشد آن‌ها باخبریم» (کوچش، ۱۳۹۶ش، ص ۴۲).

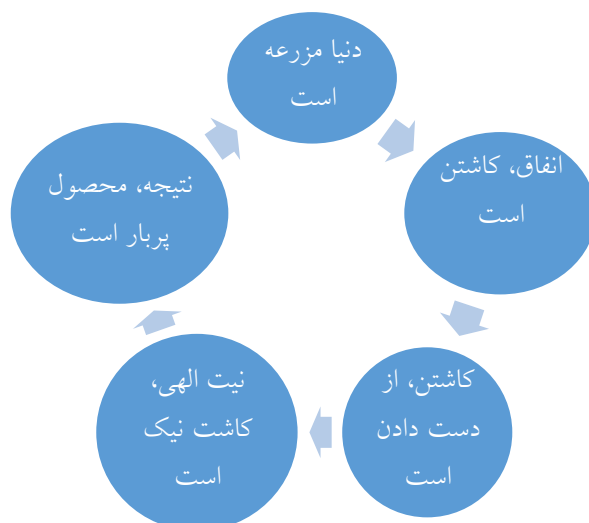
مسائلی که در حوزه کشاورزی برای انسان‌ها اتفاق می‌افتند، متفاوت بوده‌اند. ممکن است مزرعه محصول فراوانی را برای کشاورز به بار آورد، ممکن است محصول دچار آفت شود یا سیل و بلایای طبیعی اثری از محصول باقی نگذارند. این مسائل از جمله مواردی هستند که انسان در حوزه کشاورزی از همان ابتدا با آن‌ها آشنا بوده است و همین امر زمینه را فراهم کرده است تا مفهوم انتزاعی اتفاق از طریق نگاشت با این حوزه مفهوم‌سازی شود (صباحی گراغانی و همکاران، ۱۳۹۵ش). قرآن کریم از این تجربیات آشنا برای انسان‌ها استفاده کرده و مفهوم اتفاق را این گونه بیان کرده است. «در هر دو عمل صدقه دادن یا اتفاق کردن و کاشتن، یک فعل مشهود و ظاهری «از دست دادن» بذر و مال اتفاق‌شده دیده می‌شود، اما این دور ریختن ظاهری بذر در واقع گونه‌ای سرمایه‌گذاری برای آینده است؛ زیرا از همین تک‌بذر، هفت سنبله و در هر سنبله، صد دانه خواهد رویید. پس ظاهر امر همان از دست دادن مال، اما آخرت امر (یا غیب امر) نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است» (هوشنگی و سیفی پرگو، ۱۳۸۸ش، ص ۲۴).

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
کشاورزی	زندگی
بذرپاشی	اتفاق
کاشت صحیح	اتفاق خالصانه
میوه پرثمر	نتیجه عمل صحیح

خداوند در این آیه مثلی را از طبیعت به کار گرفته است تا نحوه تکثیر حسنات اتفاق در راه خدا را نشان بدهد، همان گونه که هر دانه‌ای هفتصد دانه را به بار

می‌آورد. این تشبیه به مخاطب کمک می‌کند تا قوه خيالش به حرکت درآید و نحوه رشد و نمو کارهای نیک را در حیات اجتماعی دریابد. با بیان این مثل، خداوند کیفیت افزایش ارزش معنوی رفتارها را با نحوه تکثیر امور محسوس و مادی بیان می‌کند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶ش،

ص ۱۵۲). مفهوم «انفاق» به صورتی دیگر نیز در آیه زیر بیان شده است: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۶۵).



همچنانکه کشاورز هنگامی که بذری را می‌کارد امیدوار است تا این بذر با به ثمر نشستن نتیجه عمل و کار را به او بدهد، فرد انفاق‌کننده نیز با از دست دادن مال باید امیدوار باشد تا روزی نه چندان دور چند برابر مالی را که انفاق کرده است به دست آورد؛ همان‌طور که کشاورز پس از کاشت بذر به دنبال راهکارهایی است تا مبادا بذر او دچار آسیب شود، فرد انفاق‌کننده نیز برای رسیدن به محصول وعده داده‌شده باید از کشت خود مراقبت کند تا مبادا آفت و آسیب‌های اخلاقی به آن برسند و محصول مورد انتظار او به دست نیاید. همچنانکه کشت خوب و پرثمر مایه نشاط و دارای آثار روحی در کشاورز است، انفاق خالصانه نیز همین اثر را در روح و روان انسان به همراه دارد.

در آیه انفاق، باید توجه شود که اگرچه انفاق با تعبیر زیبا و ملموس به تصویر درآمده است، نباید این نکته را از نظر دور داشت که این انفاق قید «فی سبیل الله» را دارد.

در واقع، یکی از شروط اصلی تکثیر گیاه و ازدیاد محصول با قید «فی سبیل الله» همراه شده است. در آیه‌ای دیگر، خداوند نوعی دیگر از انفاق را به تصویر کشیده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَبْتَغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَلَّا ذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۶۴).

علامه طباطبایی معتقد است این آیه وجه شباهت ریاکار به سنگ را بیان می‌کند؛ معنایی وسیع است که هم در ریاکار هست و هم در آن سنگ، و آن بی‌اثر و سست بودن عمل است؛ همچنانکه خاکی که روی سنگ صاف قرار دارد با بارانی اندک از بین رفته است و نمی‌تواند اثری داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۹۰). از آنجا که بذرها در محلی نامناسب افشاندن شده بودند، این باران فقط آن قشر باریک را همراه بذرها می‌شوید و هیچ ثمر و

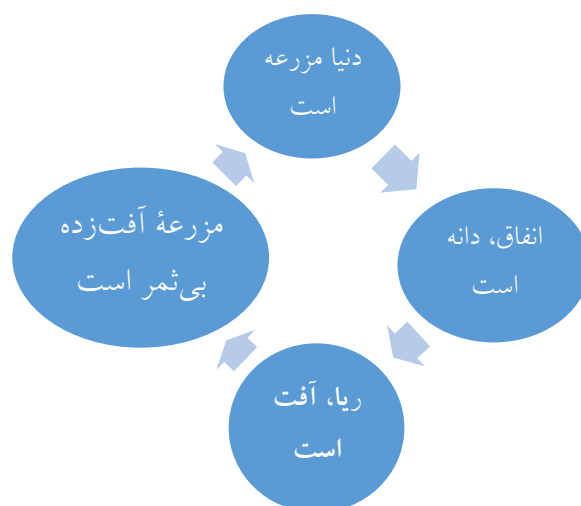
نتیجه‌ای به بار نمی‌دهد.

أَعْنَابٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ
أَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ
فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»
(بقره: ۲۶۶).

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
کشاورز	ریاکار/منت‌گذار
بذرپاشی	انفاق ریاکارانه
آفت گیاه	ریا/منت
محصول	بی‌بهره‌گی

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
باغداری	انفاق
کشاورز	انفاق‌کننده
گردباد	ریا و منت

شبیه تصویر بالا از انفاق ریاکارانه و همراه با منت، در دو آیه بعد خداوند تصویری دیگر از این نوع انفاق را بیان داشته است: «إِیُودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِیلٍ وَ



ضَعْفَین» و همراه با منت و ریا نباشد: «یا أیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى کَالَّذِی یُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ...».

خداوند مفاهیم را به همان سان که انسان از آن‌ها شناخت دارد، برای او تبیین کرده است. برای انسان مزرعه، بذر، کاشت، حوادث و در پایان برداشت محصول مفاهیمی آشنا هستند. هنگامی که مفهوم «انفاق» برای او ساده‌سازی می‌شود و با تجربه آشنای زندگی او درمی‌آمیزد، فهم این مسأله بهتر می‌شود. خداوند برای بیان انفاق صحیح، حتی از بیان مسأله «نیت انسان‌ها» نیز بی‌توجه عبور نکرده است و بحث نیت را نیز در قالب یک مفهوم قابل درک تبیین کرده است. آفریدگار آشنا به مفاهیم شناختی بشر، با همان

بشر با تجربه زیستی خود این نکته را به‌خوبی درک می‌کند که اگر به دنبال کشتزاری پُرثمر است، باید شرایط تحقق آن را فراهم کند. همچنانکه برای رشد گیاه و ثمردهی آن به تحقق شرایطی نیاز است، برای قبولی عمل نیز باید شرایطی محقق شود تا این عمل مورد قبول واقع شود. همچنانکه برای رشد گیاه به زمین مناسب، بذر مرغوب، رسیدگی و مراقبت، آبیاری مناسب، نور و... نیاز است و مجموع این عوامل در ثمردهی اثرگذار است، برای قبولی عمل نیز نیاز است تا عمل خالص باشد: «وَمَثَلُ الَّذِینَ یَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَنْبِیْئًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ کَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْطَافَهَا

بیانی که آن‌ها می‌شناختند با آن‌ها صحبت کرده و مفاهیم انتزاعی و بعضاً پیچیده را با توجه به فهم مخاطب برای آن‌ها بیان کرده است.

۶-۲- ساختارهای سیاق‌محور

یکی از قرینه‌های مهم فهم مراد و مقصود یک متن «بافت» و «سیاق» آن است که در بیان معنا استفاده می‌شود. مفهوم «بافت» و «سیاق» به محیط متن و عناصر آن اشاره دارد. «بافت موقعیتی می‌تواند شرایطی را پدید آورد که مفهوم یک جمله جدا از معنی صریح خود معنایی ضمنی بیلد و این معنی ضمنی در آن بافت قابل درک گردد و همچنین می‌تواند شرایطی را فراهم آورد که شنونده بدون در نظر گرفتن ارزش صدق یک جمله صرفاً به معنی ضمنی جمله‌گوینده توجه کند» (صفوی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۷۲).

نقش بافت و سیاق در متن قرآن کریم به عنوان یکی از عوامل مؤثر در فهم آیات مسأله‌ای غیرقابل انکار است. «هر تعبیر قرآنی بر زمینه مفهوم‌سازی ویژه‌ای استوار است. برای دستیابی به مفهوم‌سازی نهفته در یک تعبیر قرآنی می‌توانیم از اطلاعاتی که از بافت و سیاق به دست می‌آید بهره برده تا نحوه مفهوم‌سازی آن روشن گردد. وقتی ارتباط مفهوم‌سازی ویژه‌ای را در درون یک آیه جست‌وجو می‌کنیم به تحلیل بافت آیه نیاز داریم» (قائم‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۲).

با توجه به آنچه بیان شد، در این بخش آیاتی را بررسی می‌کنیم که ساختار گیاه‌انگاری «کاشت و برداشت» در آن‌ها ایجاد شده، اما گیاه به عنوان یک بخش آیه نمود ظاهری پیدا نکرده است و این مفهوم با استفاده از سیاق آیات دریافت می‌شود. به عبارتی دیگر، در این بخش آیاتی را بررسی می‌کنیم که مفهوم کشاورزی در بافت آن‌ها وجود دارد و نشان‌دهنده مفهوم کلان‌استعاره «زندگی کشاورزی است» است.

در قرآن کریم، بارها ارتباط موجود میان «پاداش و

عمل نیک» و نیز «مجازات و رفتار ناپسند» با استفاده از واژگان کلیدی مانند «بما» و با عبارت‌هایی مانند «بما قدّمْتِ آیدیکم» و «بما تَعْمَلُون» یا نظایر آن مانند «ها کُنْتُم تَعْمَلُون» بیان شده است. علاوه بر این عبارت‌ها، در آیات بسیاری فعل «ذاق» و مشتقات آن به کار رفته است که وجه اشتراک تمامی آن‌ها یک چیز است و آن هدفی است که در ورای این عبارت‌ها نهفته است. در این گونه آیات، رابطه بین عمل در دنیا و جزای آن در آخرت مطرح شده است. به بیانی دیگر، رابطه بین عمل انسان و جزای آن که در واقع خود همان عمل است با این عبارت‌ها به مخاطب تفهیم می‌شود و به او یادآوری می‌شود که این جزا، محصول و میوه همان بذری است که در دنیا کاشتید و اکنون زمان برداشت آن است. مفهوم «کاشت» و «برداشت» را از بعضی از واژگان قرآن کریم نیز می‌توان دریافت. از جمله این واژگان، واژه «ذنب» است. از آنجا که این دسته از آیات در ظاهر هیچ گونه نمود گیاهی ندارند و با توجه به بافت و سیاق آن‌ها، مفهوم کاشت و برداشت از آن‌ها درک می‌شود، در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

در بررسی آیاتی که در آن‌ها مفهوم کاشت و برداشت بر اساس سیاق بررسی می‌شود، با دو گروه آیات روبه‌رو می‌شویم:

الف) دسته‌ای از آیات خطاب به مؤمنان هستند که عمل نیک آن‌ها در زمین دنیوی به مثله بذرهایی نیک در زمین مرغوب در نظر گرفته شده است و محصول این بذرها در قیامت به بهترین وجه به صاحب آن برمی‌گردد.

ب) دسته دوم آیاتی هستند که در آن‌ها عمل فرد به مثابه بذرهایی نامرغوب در زمینی شوره‌زار در نظر گرفته شده است و صاحب آن، محصول خود را به بدترین وجه ممکن دریافت می‌کند. در این دسته از آیات، گناهکاران علاوه بر محصول بدی که از عمل خود دریافت کردند، مورد نکوهش نیز واقع می‌شوند که این محصول، همان عملی است که خود کاشتید و زمان برداشت محصول فرا رسیده است. به عبارتی دیگر، در این دسته از آیات، هم

عذاب و هم نکوهش مورد توجه قرار داده شده است.

۶-۲-۱- برداشت محصول برای نیکوکاران

الف) «بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»: در آیات قرآن کریم، به تکرار ایمان و عمل صالح در کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند. آنچه بدیهی است این است که در کشتزار دنیا تنها کشت مفید، اعمال شایسته و صالحی است که انسان‌ها می‌توانند با انجام آن‌ها مزرعه خویش را در آخرت آباد کنند و به سبب آبادی کشتزار آخرت به بهشت جاویدان و پر نعمتی دست یابند تا «هر آنچه مورد تمایل آنان است در اختیارشان قرار گیرد» (فصلت: ۳۱).

از جمله آیاتی که در آن‌ها بشارت بهشت به مؤمنان به خاطر انجام اعمال نیک آنان در دنیا داده شده است، آیاتی هستند که در ادامه بیان می‌شوند: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۳۲). «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» این بخش از آیه مانند آیات بسیاری در قرآن کریم به صراحت تأکید کرده است که پاداش یا جزای انسان در قیامت همان عمل اوست؛ همان بذر کاشته شده‌ای که در زمین دنیا کاشته شد، آبیاری شد، تحت رسیدگی قرار گرفت و اکنون هنگام محصول دهی آن است. محصول، همان است که انسان‌ها کاشتند. «آنچه در آخرت مجسم می‌شود حقیقت اعمال دنیوی است و نه ظاهر آن‌ها. ناآگاهی انسان از حقیقت اعمالش به دلیل حجاب‌های مادی است که با جدا شدن روح از بدن از بین می‌روند و روح انسان متوجه و مدرک ذات و حقیقت اعمال جاودانی می‌شود که مرتکب شده است» (مطهری، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۷).

ب) «جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: یکی دیگر از عبارت‌هایی که با بیان مشابهه آیه قبل به مؤمنان بشارت بهشت را می‌دهد آیه ۱۴ سوره مبارکه احقاف است که صریحاً واژه «جزاء» نیز در آن قید شده است: «وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (احقاف: ۱۴). علامه معنای آیه را چنین می‌داند: «این افراد

کسانی هستند که گفتند رب ما الله است و استقامت ورزیدند. این‌ها ملازم با بهشت هستند و در آن جاوداندند در حالی که این بهشت جزای اطاعت‌ها و کارهایی است که در دنیا برای تقرب به خدا انجام داده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۱۹۶).

بهشتیان علاوه بر اینکه به بهترین نحو پذیرایی می‌شوند (زخرف: ۷۱)، با بهترین عبارت‌های کلامی نیز مورد تمجید واقع می‌شوند: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (طور: ۱۹). مسلم است، نعمت‌های بهشتی ذاتاً گوارا هستند؛ اما اینکه فرشتگان به بهشتیان می‌گویند گوارا باد، خود لطف و گوارایی دیگری است؛ نعمت‌هایی که نه مشقتی برای تحصیل آن‌ها لازم است و نه ترسی از پایان یافتن آن‌ها در میان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۲، ص ۴۲۷) و این نعمت‌ها همان میوه شیرین اعمالی است که انسان‌ها در دنیا کاشته‌اند.

۶-۲-۲- برداشت محصول برای بدکاران

آیات بسیاری از قرآن کریم بر این نکته تصریح دارند که اعمال دنیوی انسان از بین نمی‌روند، بلکه در آخرت مجسم می‌شوند. این اعمال انسان را در بر می‌گیرند و باعث عذاب یا راحتی وی می‌شوند. از جمله آیاتی که این موارد را مطرح کرده‌اند، عبارت‌هایی هستند که در این آیات بیانگر مفهوم کاشت و برداشت هستند و در این بخش بررسی می‌شوند.

الف) «مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»: این تعبیر نیز مشابهه تعبیر در آیات مرتبط با بهشتیان است، با این تفاوت که جایگاه آنان بهشت پر نعمت است و جایگاه این دسته آتش و درخت زقوم: «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس: ۵۴) علامه «وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» را عطف تفسیری برای جمله «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا» می‌داند و این عبارت را برهان بیانی برای نبودن ظلم در آن روز می‌داند؛ زیرا دلالت می‌کند بر اینکه جزای اعمال هر صاحب عملی در آن روز خود اعمال او است و دیگر با

چنین جزایی تصور ظلم نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۱۰۰). «ظاهر این تعبیر این است که جزای شما همان اعمال نیک و بد خود شما است که تجسم یافته، آیا محصول اعمال کسی را به او تحویل دادن بر خلاف عدالت است؟» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۴۱۵). از دیگر آیاتی که عبارت «ما کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» به معنای جزای اعمال در آن‌ها به کار رفته است می‌توان به آیه زیر اشاره کرد: «يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ يَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۵۵). آنچه از این آیه آشکارا برمی‌آید این است که در قیامت انسان‌ها نتایج اعمال خویش را می‌چشند نه خود اعمال را؛ از این رو، برخی از مفسران «ما کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» را نتایج رفتارها دانسته و منظور از آن را جزای اعمال دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۶۰).

ب) «ذوقوا»: فعل «ذاق» به صورت‌های گوناگون در آیات بسیاری به کار رفته است. فعل یادشده از ماده «ذوق» اشتقاق یافته است. راغب در مفردات «ذوق» را به معنای یافتن طعم چیزی با دهان دانسته است و مورد کاربرد آن را در رابطه با تناول اندک بیان کرده است. وی این نکته را بیان کرده است که این واژه در رابطه با عذاب بسیار به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۲). (نمونه‌های کاربرد این فعل در رابطه با عذاب: نساء: ۵۶، سجده: ۲۰، انفال: ۳۵، دخان: ۴۹، صافات: ۳۸، انفال: ۱۴).

از جمله آیاتی که با فعل یادشده عذاب را بیان کرده‌اند، این آیه است: «يَوْمَ يَسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ» (قمر: ۴۸). مراد از «ذوقوا» این است که مسّ آتش را بی‌واسطه تجربه کنید (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۸۰). در حقیقت، وقتی به ظالمان گفته می‌شود «این عذاب را بچشید»، این چشیدن به خاطر اعمالی است که در گذشته انجام داده‌اند و این به دلیل بذری است که در گذشته آن را کاشته‌اند و اکنون زمان برداشت محصول است؛ زیرا طبق آیات قرآن کریم خداوند به هیچ بنده‌ای ظلم نمی‌کند و فقط عین اعمال وی را به او بازمی‌گرداند؛

بنابراین، چشیدن عذاب نیز بازگشت عمل فرد و نتیجه اعمالی است که در دنیا از وی سر زده‌اند و اکنون زمان برداشت محصول است.

پ) «بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيَدِيْكُمْ»: آیاتی که عبارت «بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيَدِيْكُمْ» در آن‌ها وجود دارد نشان‌دهنده این نکته هستند که هرگونه کیفر و پاداش از طرف خداوند به خاطر اعمالی است که مردم با اراده خود آن را انجام داده‌اند. نسبت دادن اعمال به دست به خاطر آن است که بیشتر کارها با دست انجام می‌شوند؛ در حالی که این حکم مخصوص دست نیست. به همین دلیل، در زبان فارسی هم رایج است که گفته می‌شود: «این کار از دست این شخص بر می‌آید»؛ در حالی که ممکن است دست هیچ‌گونه دخالتی نداشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۹۵).

از جمله آیاتی که عبارت «بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيَدِيْكُمْ» در آن‌ها به عمل انسان اشاره دارد، این آیات است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوْهُهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيَدِيْكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» (انفال: ۵۱-۵۰). زمخشری «ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» را پیش‌زمینه عذاب دوزخ می‌داند. و در ادامه این‌طور بیان می‌کند: «این عذاب به دو دلیل است: به سبب کفر و گناهان به چنین سرنوشتی دچار آمدید و بدانید خداوند «لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» است؛ زیرا کیفر دادن به کافران مانند پاداش دادن به مؤمنان عین عدالت است» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۹). علامه «ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيَدِيْكُمْ» را ادامه گفتاری که خداوند از ملائکه حکایت کرده است می‌داند و معنای آیه را چنین می‌داند که این عذاب سوزان را به شما می‌چشانیم به خاطر آن رفتاری که می‌کردید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۰۰).

ت) «ذنب»: واژه «ذنب» از جمله واژگان پربسامد در قرآن کریم است که لغت‌پژوهان معانی متعددی برای آن در نظر گرفته‌اند. در کهن‌ترین کتب لغت، اشاره به دو مؤلفه «تبعیت» و «تأخر» برای این ماده دیده می‌شود (فراهیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۰). ابن فارس برای «ذنب» سه

معنا را در نظر گرفته است: جرم، مؤخر و انتهای یک چیز (دم حیوان) و بهره و نصیب. وی با اشاره به استقلال ریشه‌ای این معانی، قول به اشتراک لفظی دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۳۶۱). از متقدمان، ابوہلال عسکری «ذنب» به معنای گناه را به «ذنب» به معنای «دنبله» پیوند داده (عسکری، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۴) و از متأخران مصطفوی «ذنب» را «تبعیت» همراه با قیود تأخر، اتصال و پستی برشمرده است. وی «ذنب» را در اصل مصدری به معنای «تبعیت» دانسته و «ذانب» را «تابع مطلق» دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۳، ص ۳۳۴). راغب هر سه معنایی که بیان شد را به یک اصل برگردانده و در رابطه با «ذنب» چنین گفته است: ذنب در اصل به دست گرفتن دنباله یا دم چیزی است. «ذنبته» یعنی دم آن چیز را گرفتم، سپس به هر فعلی که عاقبت آن وخیم و ناگوار است و فرجام بدی دارد گفته می‌شود؛ از این رو، واژه «ذنب» به اعتبار نتیجه‌ای که از گناه حاصل می‌شود بدفرجامی نامیده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۱). علامه طباطبایی در ذیل آیه دوم سوره مبارکه فتح، مراد از کلمه «ذنب» را با توجه به معنای لغوی آن عبارت از عملی می‌داند که آثار و تبعات بدی دارد، حال هرچه باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۲۵۳).

با توجه به معنای لغوی و نگاه مفسرانی همچون علامه طباطبایی در رابطه با واژه «ذنب»، از آنجا که گناهان همواره آثار و تبعاتی ناگوار را برای صاحب عمل در پی دارند و صاحب عمل میوه و محصول «ذنب» خود را برداشت می‌کند، در این بخش آیاتی را بررسی می‌کنیم که واژه «ذنب» در آن‌ها به کار رفته و به کار رفتن این واژه تبعات و عواقبی نافرجام برای صاحبان آن عمل در دنیا و آخرت در پی داشته است.

در بعضی از آیات قرآن کریم، خداوند به زندگی اقوامی اشاره کرده است که دارای نعمت‌های بسیار بودند و به سبب داشتن امکانات بسیار، خود را بی‌نیاز از پروردگار دانستند و به ظلم و گناه روی آوردند. بسیاری از

سرنوشت‌هایی که این‌گونه در قرآن کریم از آن‌ها یاد شده است، وجهی مشترک با یکدیگر دارند و آن وجه مشترک این است که پس از نپذیرفتن دعوت رسولان، به سبب گناهان خویش گرفتار عذاب الهی شدند و دودمان آنان بر باد رفته است. از جمله این آیات، آیه ۶ سوره مبارکه انعام است: «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ». علامه در ذیل این آیه این نکته را بیان می‌کند که «این آیه دلالت دارد بر اینکه گناهان دخالت قاطعی در پیش آمدن بلاها و محنت‌های عمومی دارند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۱۷). در حقیقت، این اقوام با انجام گناهان متعدد، بذر نابودی و تباهی خویش را کاشتند و هنگامی که عذاب الهی بر آنان نازل شد میوه اعمال خود را برداشت کردند. «عامل بدبختی آنان چیزی جز گناه و ظلم و نداشتن ایمان نبود و آنان بر اثر گناه همه چیز را از دست دادند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۱۵۷).

از دیگر آیاتی که به تأثیر گناهان در سرنوشت انسان اشاره دارد، آیه ۷۸ سوره مبارکه قصص است؛ آنجا که بعد از بیان ماجرای زندگی قارون به ماجرای عذاب وی اشاره شده است: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يَسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ». علامه در ذیل این آیه این‌طور بیان کرده است: «از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از این جمله بیان سنت الهی در عذاب کردن مجرمین و هلاکت آنان به خاطر جرم و گناهشان باشد در نتیجه این عبارت کنایه از این است که آنان را مهلت نمی‌دهیم تا عذر و بهانه بیاورند، بلکه چون خداوند به حقیقت حال آگاه است از مجرم نمی‌پرسد که گناه تو چیست و فقط علیه او حکم می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۷۷). در بعضی دیگر از آیات قرآن کریم، انسان‌ها محصول و نتیجه «ذنب» خویش را در روز قیامت دریافت می‌کنند و در جایی که گرفتار عذاب الهی شدند، صریحاً

شناختی، هدف اصلی تشبیه نیست، بلکه یک حوزه بر اساس حوزه‌ای دیگر فهمیده می‌شود. در این استعاره‌ها، مسأله شناخت (تصاویر ذهنی حوزه‌ها) عامل ارتباط میان دو حوزه است؛ در حالی که در تشبیه و استعاره سنتی چنین ادعایی مطرح نیست.

۲. در دیدگاه سنتی، «نگاه مفسران» درباره استعاره‌ها و مجازهای قرآن نظام‌مند نیست و تک تک استعاره‌ها را تحلیل کرده‌اند؛ اما در دیدگاه شناختی، وقتی به استعاره‌ای که در بن همه آیات مورد بحث وجود دارد نظر می‌کنیم، گویی همه این استعاره‌ها، استعاره‌ای خرد هستند که در پرتو یک کل منسجم خود را عرضه می‌کنند. برای مثال، می‌توانیم استعاره فرعی مانند «انفاق بذر پاشیدن است» را در استعاره کلان «زندگی کشاورزی است» در نظر بگیریم.

۳. طبق رویکرد زبان‌شناسی شناختی، جایگاه استعاره لندیشه است و نه زبان، و استعاره بخشی مهم و جدایی‌ناپذیر از شیوه معمول مفهوم‌سازی جهان توسط هاست و رفتار روزمره‌ها بازتاب درک استعاری‌ها از تجربه است. بر اساس این نظریه، نظام تصویری انسان بر پایه مفاهیم تجربی شکل گرفته است؛ مفاهیمی که به طور مستقیم از تجربه انسان ناشی می‌شوند. برای مثال، در آیات شریفه مرتبط با انفاق، انسان با تجربه‌ای که از مفهوم کاشت و برداشت گیاه دارد، این نکته را درک می‌کند که وقتی بذری کاشته می‌شود کشاورز امیدوار به رشد بذر خویش است، پس فرد مسلمان نیز با انجام انفاق خالصانه باید امیدوار به برداشت خویش به بهترین نحو باشد. همان‌طور که کشاورز با از دست دادن بذر غمگین و ملول نیست و آن را سرمایه‌گذاری برای آینده خویش می‌داند، فرد انفاق‌کننده نیز باید این تصور را از انفاق خود در راه خدا داشته باشد. همان‌گونه که کشاورز از محصول خود مراقبت می‌کند تا گرفتار آفات نشود، فرد مسلمان نیز باید مراقب انفاق خویش باشد تا با نیت‌های نادرست، آفتی بر آن وارد نسازد. در این آیات، خداوند برای مفهوم‌سازی، از

به این نکته اذعان دارند که عذاب فعلی آنان نتیجه و محصول «ذنبی» است که در دنیا آن را انجام داده‌اند. از جمله این آیات می‌توان به آیه ۱۱ سوره مبارکه ملک اشاره کرد: «فَاعْتَرِفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ». علامه این آیه را در ارتباط با آیه قبل می‌داند. در آیه قبل، دوزخیان این نکته را بیان کرده بودند که اگر در دنیا از رسولان و نصایح آنان اطاعت کرده بودیم، امروز در زمره اهل جهنم نبودیم. علامه معتقد است در جمله قبل اعتراف می‌کنند که آنچه کرده‌اند اثرش همین است که امروز داخل آتش شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۵۳).

اهل دوزخ با مشاهده عذاب خود به آنچه در دنیا انجام دادند اعتراف می‌کنند؛ ولی این اعتراف سودی به حال آنان نمی‌بخشد؛ زیرا آنان محصولی را برداشت می‌کنند که خود کاشتند و میوه‌ای را می‌چینند که خود، آن را به ثمر رساندند.

۷- نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نتایج زیر به دست می‌آید:

استعاره «زندگی کشاورزی است»، کلان‌استعاره‌ای است که در آیات قرآن کریم نمود دارد؛ اما در پژوهش انجام‌شده به طور ویژه بر آیتی تمرکز شد که منحصراً انجام عمل و چگونگی دریافت پاداش و جزا در آن‌ها تصویرسازی شده است.

۱. با بررسی استعاره‌های شناختی درمی‌یابیم ساختار این استعاره‌ها نیز مانند تشبیه و استعاره سنتی مبتنی بر دو عنصر اصلی است که یکی بر اساس دیگری فهمیده می‌شود. در ساختارهای استعاره‌های شناختی با دو حوزه مفهومی مواجه هستیم که معمولاً یکی از حوزه‌ها از دیگری ملموس‌تر و عینی‌تر است و به همین دلیل، مبنای شناخت و ادراک حوزه دیگر قرار می‌گیرد. مسأله‌ای که میان ساختارهای شناختی و غیرشناختی تفاوت ایجاد می‌کند این است که در تشبیه و استعاره سنتی، هدف شباهت میان دو چیز است؛ حال آنکه در ساختارهای

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
عبدالکریمی، سپیده. (۱۳۹۳ش). *فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی*. تهران: نشر علمی.
عسکری، ابوهلال الحسن بن عبدالله بن سهل. (بی‌تا). *الصناعتین (الکتابه و الشعر)*. بیروت: احیاء الکتب العربیه.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). *العین*. بیروت: دارالمکتبه الهلال.

قائم‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قائم‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۶ش). *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*. تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قطمیری قصر الدشتی، رقیه، خرقانی، حسن، نصرتی، شعبان، و خیاط، علی. (۱۴۰۲ش). *طرح‌واره استعاره‌های مفهومی اتفاق در قرآن کریم*. نشریه ذهن، ۲۴ (۹۶)، ۱۷۲-۱۳۶.

کوچش، زولتان. (۱۳۹۵ش). *استعاره مقدمه‌ای کاربرد (جهانشاه میرزابیگی)*. مترجم. تهران: نشر آگاه.
کوچش، زولتان. (۱۳۹۶ش). *استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ (جهانشاه میرزابیگی)*. مترجم. تهران: نشر آگاه.

لیکاف، جرج، و جانسون، مارک. (۱۳۹۴ش). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. (هاجر آقابراهیمی، مترجم). تهران: نشر علم.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲ش). *عدل الهی*. تهران: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. تهران:

اندیشه و تجربه بشر در رابطه با بذریاشی استفاده کرده است و اتفاق الهی را بذریاشی مفید و سودآور دانسته است؛ در حالی که در رویکرد سنتی به چنین نتیجه ملموس و قابل تصویری دست نمی‌یابیم. قرآن کریم به زیبایی از حوزه کشاورزی و پاشیدن بذر بهره برده و آن را با بیانی ساده برای مخاطب مفهوم‌سازی کرده است و آن را بر دو گروه کشاورز که از بذریاشی خود بهره برده‌اند و گروهی که بی‌بهره شده‌اند، منطبق کرده است.

منابع

قرآن کریم (فولادوند، مترجم).
ابن فارس، ابوالحسین. (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: دارالفکر.
افراشی، آریتا، عاصی، سید مصطفی، و جولایی، کامیار. (۱۳۹۴ش). *استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیل شناختی و پیکره‌مدار*. *زبان‌شناخت*، ۶ (۲)، ۳۹-۶۱.
پورابراهیم، شیرین. (۱۳۹۳ش). *مفهوم‌سازی زندگی در زبان قرآن*. *فصلنامه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، ۶ (۱۰)، ۸۳-۶۳.
حجازی، بهجت سادات. (۱۳۹۵). *استعاره مفهومی آیه نور در قرآن*. *مجله فنون ادبی*، ۸ (۳)، ۸۵-۱۰۲.
حقایقی، سید عباس. (۱۳۹۸ش). *زیبایی‌شناسی استعاره‌های مفهومی در قرآن کریم*. *الهیات هنر*، ۶ (۱۶)، ۱۵۸-۱۳۵.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دارالشامیه.
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل*. بیروت: دارالکتب العربی.
صباحی گراغانی، حمید، حیدریان شهری، احمد رضا، و محمد حسین زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۵). *استعاره مفهومی در سوره بقره*. *نشریه ادب و زبان*، ۱۹ (۳۹)، ۸۵-۱۰۷.
صفوی، کوروش. (۱۳۹۹ش). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.

دارالکتب الاسلامیه.

هوشنگی، حسین، و سیفی پرگو، محمود. (۱۳۸۸ش).

استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی.

پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ۱(۳)، ۳۴-۸.

Abdolkarimi, Sepideh. (2014). *Descriptive Dictionary of Cognitive Linguistics*. Tehran: Nashr Elmi.

Askari, Abu Hilal al-Hasan ibn Abdollah ibn Sahl. (n.d.). *Al-Sina'atayn (al-Kitaba wa al-Shi'r)* [The Two Crafts: Writing and Poetry]. Beirut: Ihya' al-Kutub al-Arabiya.

Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (n.d.). *Al-'Ayn* [The Eye (Earliest Arabic Dictionary)]. Beirut: Dar al-Maktaba al-Hilal.

Ghaemiania, Alireza. (2011). *Cognitive Semantics of the Qur'an*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought.

Ghaemiania, Alireza. (2017). *Conceptual Metaphors and Qur'anic Spaces*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought.

Qorashi Banabi, Ali Akbar. (1992). *Qamus al-Qur'an* [Lexicon of the Qur'an]. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Qatamiri Qasr al-Dashti, Roghieh, Kharghani, Hassan, Nosrati, Sha'ban, & Khayyat, Ali. (2024). The Schema of Conceptual Metaphors of Almsgiving in the Holy Qur'an. *Zehn (Mind)*, 24(96), 136–172.

Kövecses, Zoltán. (2016). *Metaphor: A Practical Introduction* (Translated by Jahanshah Mirzabeigi). Tehran: Nashr Agah.

Kövecses, Zoltán. (2017). *Where Metaphors Come From* (Translated by Jahanshah Mirzabeigi). Tehran: Nashr Agah.

Lakoff, George, & Johnson, Mark. (2015). *Metaphors We Live By* (Translated by Hajar Aghaebrahimi). Tehran: Nashr Elm.

Mostafavi, Hassan. (1989). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an* [Investigation into the Words of the Qur'an]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Motahari, Morteza. (2003). *Divine Justice*. Tehran: Sadra Publishing.

Makarem Shirazi, Naser. (1992). *Tafsir-e Nemouneh* [The Exemplary Exegesis]. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Hoshangi, Hossein, & Seifi Pargo, Mahmoud. (2009). Conceptual Metaphors in the Qur'an from the Perspective of Cognitive Linguistics. *Pajouheshnameh-ye Oloum va Ma'aref-e Qur'an Karim*, 1(3), 8–34.

Bibliography

The Holy Qur'an (Translated by Fooladvand).

Ibn Faris, Abu al-Husayn. (1980 AH). *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah* [Dictionary of the Measures of Language]. Beirut: Dar al-Fikr.

Afrashi, Azita, Asi, Seyed Mostafa, & Joulaii, Kamyar. (2015). Conceptual Metaphors in Persian: A Cognitive and Corpus-Based Analysis. *Zaban-Shenakht*, 6(2), 39–61.

Pour-Ebrahim, Shirin. (2014). Conceptualizing Life in the Language of the Qur'an. *Zabanpajoohi*, Al-Zahra University, 6(10), 63–83.

Hejazi, Bahjat Sadat. (2016). The Conceptual Metaphor of the Light Verse in the Qur'an. *Adabiat-e-Fonoon*, 8(3), 85–102.

Haghaei, Seyed Abbas. (2019). Aesthetic Analysis of Conceptual Metaphors in the Holy Qur'an. *Theology of Art*, 6(16), 135–158.

Raghib Esfahani, Hossein ibn Muhammad. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* [Lexicon of the Words of the Qur'an]. Beirut: Dar al-Shamiya.

Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar. (1407 AH). *Al-Kashshaf 'An Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil* [The Revealer of the Hidden Truths of Revelation and the Essence of Interpretations]. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi.

Sabahi Garagani, Hamid, Heydarian Shari, Ahmad Reza, & Mohammad Hosseinzadeh, Abdolreza. (2016). Conceptual Metaphor in Surah Al-Baqara. *Adab va Zaban*, 19(39), 85–107.

Safavi, Kourosh. (2020). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Soreye Mehr.

Tabataba'i, Mohammad Hossein. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* [The Balance in the Interpretation of the Qur'an]. Beirut: Al-Alami Publishing Institute.

Tabarsi, Fazl ibn Hassan. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* [Collection of Explanations in Qur'anic Interpretation]. Tehran: Nasr Khosrow.